

## بازخوانی مبانی قرآنی توحید در زیارت جامعه کبیره

روح الله زینلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲

### چکیده

زیارت جامعه کبیره از مهم‌ترین متون معرفتی رسیده از سوی معصومین علیهم‌السلام است. این زیارت به اعتقاد بسیاری از عالمان و حدیث‌شناسان از سند صحیح برخوردار است. زیارت جامعه کبیره در توحید ذاتی و افعالی و مراتب آنها انطباق و هماهنگی کامل با قرآن کریم دارد و می‌توان گفت که روح توحید بر همه عبارت‌های این زیارت حاکم است. از این رو اشکالاتی که متناظر با برخی از عبارت‌ها مبنی بر ناسازگاری با قرآن کریم و توحید افعالی باری تعالی مطرح شده‌اند، وارد نیستند.

**کلیدواژه‌ها:** زیارت جامعه کبیره، اعتبار سندی زیارت جامعه، توحید در زیارت جامعه، توحید در قرآن.

### طرح مسئله

زیارت جامعه کبیره را می‌توان مهم‌ترین اثر رسیده از معصومین علیهم‌السلام در امام‌شناسی دانست. امام هادی علیه‌السلام در این زیارت، مضامین والا و معنا داری را برای اهل بیت

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه حکمت و کلام اسلامی.

پیامبر ﷺ به کار برده‌اند. عالمان مسلمان همواره به این زیارت توجه داشته‌اند<sup>۱</sup> و بسیاری از بزرگان شیعه آن را نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

مباحث پیرامون این زیارت همچون دیگر متون رسیده از معصومین علیهم‌السلام در دو بخش بررسی سند و محتوا جای می‌گیرند. درباره سند این روایت باید گفت که بزرگانی از عالمان شیعه سند آن را صحیح دانسته‌اند و راویان آن را از جمله موسی بن عبدالله نخعی که این زیارت توسط او از امام هادی علیه‌السلام نقل شده است، ثقه خوانده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین شماری از راویان بزرگ شیعه، همچون شیخ کلینی در *کافی* و شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا*، ابن قولویه در *کامل الزیارات* و علی بن محمد قمی

---

۱. نگاشته شدن شرح‌های متعدد بر این زیارت را می‌توان نشان این اهمیت دانست. بیش از پانزده شرح به زبان عربی و فارسی بر این زیارت نگاشته شده است. *الانوار الالامعه*، *المعارف الرافعة فی شرح زیارة الجامعه*، *الشموس الطالعة فی شرح زیارة الجامعه*، *اعلام الالامعه*، *فوائد نافعه شریفه در شرح زیارت جامع و ادب فنای مقربان*، از جمله این شرح‌ها هستند.

۲. برخی از مهم‌ترین مصادری که این زیارت را نقل کرده‌اند از این قرارند: شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۶۰۹ و همو، *عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام*، ج ۲، ص ۳۰۵؛ شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۶، ص ۹۵؛ علامه مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۹۹، ص ۱۲۷؛ حسن بن سلیمان الحللی، *المحتضر*، ص ۲۱۵؛ بروجردی، محمد حسین، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۱۲، ص ۲۹۸ و بسیاری از عالمان دیگر.

۳. مرحوم مامقانی در اثر *رجالی خویش* در این باره می‌گوید: شیخ طوسی در *تهذیب* در باب زیارات، زیارت جامع کبیره را از موسی بن عبدالله نخعی نقل کرده است. وی نقل این زیارت توسط ایشان را نشانه این می‌داند که او امامی و دارای اعتقادات صحیح بوده است. نیز از اینکه امام هادی علیه‌السلام چنین زیارتی را به وی تلقین نموده است، نشان دهنده نیکویی و قابل اعتماد بودن و مقبول الروایه بودن اوست. وی تأکید می‌کند که قادحی برای وی یافت نشده است. (مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی احوال الرجال*، ج ۳، ص ۲۵۷، همچنین آیه‌الله خویی به سبب وجود روایات موسی بن عبدالله در *تفسیر علی بن ابراهیم قمی* او را ثقه دانسته است. (خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، ج ۲۰، ص ۶۶).

در *کامل الأثر*، سند و متن زیارت جامعه را صحیح دانسته‌اند. علامه مجلسی این زیارت را از نظر محتوا و سند بهترین و بلیغ و فصیح‌ترین زیارات شمرده است.<sup>۱</sup> همچنین محمد تقی مجلسی (پدر علامه مجلسی) این زیارت را کامل‌ترین و بهترین زیارات می‌داند و به ماجرای مکاشفه‌ای که برای وی در این باره رخ داده به تفصیل اشاره کرده است.<sup>۲</sup> سید عبدالله شبر نیز فصاحت و بلاغت به کار رفته در این زیارت را دلیل صدور آن از سوی معصوم علیه السلام می‌داند و تأکید می‌کند که آن را عده‌ای از بزرگان دین و حاملان علوم ائمه طاهریین نقل نموده‌اند.<sup>۳</sup> مرحوم شیخ عباس قمی این زیارت را به نقل از شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا علیه السلام آورده است.<sup>۴</sup> آیه الله جوادی آملی نیز با تأکید بر اینکه بحث‌های سندی تنها در ایجاد اطمینان به صدور یک متن از معصوم کاربرد دارند، معتقد است که این اطمینان از هر راهی به وجود آید کفایت می‌کند؛ از این رو چون متن زیارت جامعه کبیره به گونه‌ای است که این اطمینان را فراهم می‌آورد، نیازمند بحث سندی نیست.<sup>۵</sup> بنابراین می‌توان با اطمینان گفت که این زیارت از سوی معصوم علیه السلام به دست ما رسیده است.<sup>۶</sup>*

به جز اشکالات سندی، محتوای زیارت هم با نقدهایی مواجه شده است. بخشی از این نقدها به ناسازگاری این زیارت با آموزه‌های قرآنی مربوط می‌شود.<sup>۷</sup> به صورت

۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، ج ۲۴، ص ۶۲۶.

۲. مجلسی، محمد تقی، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج ۵، ص ۴۵۲.

۳. شبر، سید عبدالله، *الأنوار اللمعة فی شرح زیارة الجامعة*، ص ۲۹-۳۱.

۴. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، باب زیارات جامعه، ص ۹۸۱.

۵. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، ج ۱، ص ۸۷-۸۸.

۶. برای آگاهی بیشتر به مقاله «بررسی سندی زیارت جامعه کبیره»، نوشته آیه الله شیخ محمد سند مراجعه شود. مجله سفینه، شماره ۱۵.

۷. برای مثال ناسازگاری با آیات ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه از جمله مهم‌ترین آنهاست.

مشخص، موضوع اصلی بسیاری از این اشکال‌ها، توحید و به ویژه توحید در ربوبیت و توحید افعالی باری تعالی است. با توجه به روایات متعددی که قرآن را بهترین و شایسته‌ترین ملاک سنجش حقایق مربوط به حوزه دین اسلام معرفی کرده‌اند،<sup>۱</sup> لازم است تا رابطه زیارت جامعه و قرآن کریم به صورت دقیق‌تر بررسی شود. در این بررسی آشکار خواهد شد که نه تنها زیارت جامعه هیچ ناسازگاری با قرآن کریم ندارد، که متنی برگرفته از این کتاب آسمانی است. همچنین از رهگذر استدلال‌های عقلی و نقلی مشخص خواهد شد که هیچ یک از عبارات‌های این زیارت با توحید باری تعالی به ویژه در توحید ربوبیت و توحید افعالی ناسازگار نیست بلکه روح حاکم بر تمام عبارات‌ها، توحید و توجه به مبدئیت باری تعالی در همه امور است.

مطالب این نوشته به دو بخش تقسیم می‌شوند؛ در بخش نخست به بیان مراتب مختلف توحید در قرآن کریم و تبیین بازتاب آن در زیارت جامعه کبیره می‌پردازیم و در بخش دوم شبهات و اشکالات مطرح در این زمینه را پاسخ خواهیم داد.

### الف- توحید و مراتب آن در قرآن کریم و زیارت جامعه کبیره

قرآن را می‌توان به درستی کتاب توحید نامید. روح حاکم بر همه آیات این کتاب الهی، توحید و یگانه پرستی است. قرآن از همه ابزارهای ادبی و تربیتی برای هر چه پررنگ‌تر جلوه دادن حضور همه جانبه خداوند متعال در هستی استفاده کرده است. از توجه در آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که مهم‌ترین اصل در دین‌داری، پذیرش کامل

---

۱. در زمینه سازگاری زیارت جامعه با قرآن کریم رویکرد حداکثری مبنای عمل قرار گرفته است؛ یعنی برای اثبات درستی علاوه بر اثبات عدم مخالفت با قرآن، اثبات موافقت نیز لازم است. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نکونام، جعفر، «اقتراح؛ تحلیل روایات عرضه حدیث بر قرآن»، صحیفه مبین، شماره ۲۷-۲۸، ۱۳۸۱؛ نصیری، علی، «بررسی روایات عرضه»، حدیث حوزه، شماره ۲، ۱۳۹۰).

توحید باری تعالی است. در یک تقسیم بندی توحید باری تعالی را می توان به دو بخش ذاتی و افعالی تقسیم نمود<sup>۱</sup> که توحید افعالی خود مراتبی را مانند توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در اطاعت و توحید در عبادت در بر می گیرد.<sup>۲</sup> به همه این مراتب در قرآن کریم و زیارت جامعه توجه شده است.

## ۱- توحید ذاتی

نخستین معنایی که از توحید ذاتی به ذهن می آید یگانگی و بی همتایی باری تعالی است. به این معنا در آیات متعددی توجه شده است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/۱۱)، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...»، (سوره توحید) «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ» (یوسف/۱۱۰؛ انبیاء/۱۰۸؛ فصلت/۶)، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صافات/۳۵؛ محمد/۱۹) و... به تبع قرآن کریم، به این معنا در زیارت جامعه نیز بسیار توجه شده است، به گونه ای که زیارت با آن آغاز می گردد. برای خواندن این زیارت نخست می باید به یگانگی و بی همتایی خداوند شهادت داد و پس از آن در سه مرحله صد مرتبه الله اکبر گفت. بر این اصل در بخش های دیگر زیارت نیز تأکید شده است: در یک جا به یگانگی و بی ماندی خداوند شهادت داده می شود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ...». در روایات نیز کلمه لا اله الا الله در شمار برترین ذکرها یاد شده است.<sup>۳</sup> شاید بتوان دلیل اصلی این اهمیت را در موضوع آن که توحید است بدانیم.

در بخشی دیگر از زیارت جامعه می خوانیم: «وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ»؛ یعنی معصومین علیهم السلام در توحید خداوند اعتقادی ناب دارند و به درجه اخلاص رسیده اند.

۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۶.

۲. سبحانی، جعفر، *محاضرات فی الالهیات*، ص ۴۷-۴۸.

۳. نه من و نه پیشینیان من جمله ای همچون لا اله الا الله نگفته اند. (ابن بابویه، محمد بن علی،

*التوحید*، ص ۱۸؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، ج ۹۰، ص ۳۱۲.)

مخلص به معنای پاک شده از هرگونه ناخالصی است. از آنجا که توحید دارای مراتب و درجاتی است، همگان به یک اندازه و در یک درجه از آن برخوردار نیستند؛ اما از این بیان می‌توان دریافت که ائمه اطهار علیهم‌السلام در توحید به درجه اخلاص دست یافته‌اند که در آن هیچ‌گونه دُرد و ناخالصی وجود ندارد. البته این خلوص در توحید، عام است و همه مراتب توحید از ذاتی گرفته تا صفاتی و افعالی و... را شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

در بیانی دیگر آمده است: «وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنَّا»؛ هر کس خداوند را به یگانگی ستود اعتقادش را از شما ستانده است. بی‌شک آنان که در درک توحیدی به مقام مخلصین رسیده‌اند بیشتر از هر کس دیگری شایستگی تبعیت و پیروی را در بیان معنای توحید دارند. به همین دلیل است که از ائمه در این زیارت با عنوان ارکان توحید یاد شده است: «وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ».

## ۲- توحید افعالی

پس از اعتقاد به خداوندی یگانه و هستی‌بخش؛ مرتبه دیگر توحید، به حوزه افعال و یگانگی فاعل آنها مربوط می‌شود. توحید افعالی یعنی درک اینکه جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل او و ناشی از اراده اوست.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، توحید افعالی به این معناست که هیچ فاعلی در فاعلیت و تأثیرگذاری اش استقلال ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف/۳۹). همان‌گونه که بیان شد، توحید افعالی دارای گونه‌های مختلفی است که به بیان مهم‌ترین آنها در قرآن کریم و زیارت جامعه می‌پردازیم.

---

۱. برخی از این بیان و با توجه به آیات قرآن کریم، مقام عصمت را نیز برای ائمه ثابت کرده‌اند. بنگرید به:

جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۶.

## توحید در خالقیت

اعتقاد به اولیت و آفرینندگی موجودات از آشکارترین نمودهای اعتقاد به خداوند و یکتاپرستی است. در قرآن کریم بر این اصل تأکید بسیار شده است. خداوند در قرآن، خالق و آفریننده و هستی بخش همه موجودات است: ﴿قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (رعد/۱۶). ﴿هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> (فاطر/۳).

از این آیات که در آنها خالقیت خداوند به صورت عام مطرح شده است و همه چیز را دربر می‌گیرد و یا به صورت استفهام انکاری از خالقیت غیر خداوند پرسش شده است، می‌توان دریافت که خالق حقیقی اوست و غیر او را نمی‌توان خالق دانست. دلیل اصلی این واقعیت نیز در این نکته نهفته است که هر موجودی که کاری را انجام می‌دهد این کار تابعی از وجود اوست، حال اگر وجود و هستی موجودی را دیگری عطا کند و او را به وجود بیاورد، افعال موجود دوم هم مخلوق موجود نخستینی است که به او هستی بخشیده است. در این صورت دیگران هستی بخش به شمار نخواهند رفت. به خالقیت باری تعالی در زیارت جامعه نیز توجه و تأکید بسیار شده است. در این زیارت با توجه به این حقیقت، خالقیت به غیر خداوند نسبت داده نشده است. در عبارتی با صراحت از مخلوق بودن ائمه و خالقیت باری تعالی سخن رفته است: «خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا»؛ (خداوند شما را نورهایی آفرید). در جایی دیگر می‌خوانیم: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ»؛ (خداوند با آفریدن شما آفرینش را آغاز نمود).

در ردوی این بیان‌ها تنها خداوند به عنوان خالق معرفی شده است. در این مرتبه از توحید که به فرموده علامه طباطبایی<sup>۲</sup> اصل و اساس مراتب دیگر توحید افعالی است سخن در این است که همه موجودات از او هستی گرفته‌اند و هیچ موجودی چیزی را از

۱. در این آیات نیز خالقیت باری تعالی مطرح شده است: زمر/۶۲، یونس/۶۲ و طه/۵۰.

۲. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۱، ص ۳۲۶.

خود ندارد. خداوند تنها خالق است. به جرئت می‌توان گفت که زیارت جامعه تجلی کامل این معنا و مرتبه از توحید است. در این زیارت هر جا از امامان و ویژگی‌های والای آنان سخن گفته می‌شود، خداوند به عنوان عطاکننده آنها حضوری آشکار دارد. به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم: خداوند امامان را برگزیده است: «اصْطَفَاكُمْ بَعْلِمِهِ». خداوند ایشان را برای علم غیب و سرش انتخاب کرده است: «وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ». خداوند است که ایشان را از لغزش‌ها باز می‌دارد و از فتنه‌ها امانشان می‌دهد: «عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ». خداوند آنها را از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک کرده است: «وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجَسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً». خداوند است که آن بزرگواران را روشنای هدایت گردانده است: «خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً» و جایگاه و مقاماتی را که دیگران از آن برخوردار نیستند خداوند به ایشان ارزانی داشته است: «آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ».

آنچه بیان شد، فقط بخشی اندک از جملات متعددی است که در تمام آنچه امامان دارند، خداوند را اعطا کننده و هستی بخش معرفی می‌کنند.

### توحید در ربوبیت

مرتبه دیگر، توحید در ربوبیت<sup>۱</sup> است. توحید در ربوبیت به معنای این است که خداوند، اداره کننده و تدبیرگر همه هستی است و همه در برنامه‌ای که او برایشان مقدر فرموده عمل می‌کنند. او هیچ شریکی در این امر ندارد. این معنا از توحید گرچه تابعی از توحید در خالقیت است، اما در قرآن کریم به صورت مستقل و جداگانه از توحید در

۱. راغب اصفهانی در تعریف رب می‌گوید: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَّةُ، وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ، يُقَالُ رَبَّيْ، وَرَبَّاهُ وَرَبَّبَهُ... وَلَا يُقَالُ الرَّبُّ مُطْلَقاً إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى الْمُتَكَلِّفُ بِمُصَلْحَةِ الْمَوْجُودَاتِ. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۳۶).



خالقیت مطرح شده است. این تفاوت را در بیان گونه‌های شرک آشکارا می‌توان مشاهده نمود. به فرموده قرآن کریم مشرکان، خالقیت خداوند را پذیرفته بودند و شرکشان در اعتقاد به شراکت بت‌ها و دیگر معبودها در اداره امور هستی با خداوند بوده است.<sup>۱</sup> براساس توحید ربوبیت غیر از خداوند متعال هیچ موجود دیگری در اداره امور هستی به صورت استقلالی دخالت ندارد. قید استقلالی برطرف کننده شبهات مطرح در این زمینه است که در بخش اشکالات به آنها خواهیم پرداخت. به این حقیقت با آشکاری تمام در زیارت جامعه توجه شده است. در هیچ فقره‌ای از این زیارت مضمونی را نمی‌توان یافت که نشان از استقلال کارها داشته باشد، بلکه در عبارات‌های بسیاری از زیارت بر این حقیقت تصریح و اشاره شده است که همه امور به تدبیر باری تعالی صورت می‌گیرد. در بخشی از زیارت، پس از تصریح به مقام اخلاص معصومین علیهم‌السلام در توحید الهی، در وصفشان گفته شده است: «وَالْمُطَهَّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ»؛ یعنی معصومین علیهم‌السلام بیان‌کننده و آشکارکننده امر و خواسته خداوندند، ایشان پرستشگران تکریم شده خداوندند که در کلام بر او پیشی نمی‌گیرند و به فرمان باری تعالی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، امامان جز به اوامر و دستورات الهی امر و نهی نکرده‌اند. ایشان هیچ‌گاه پیش از آنکه اجازه بیان احکام الهی به آنان داده شده باشد، سخنی نگفته‌اند و همواره براساس دستورات خداوند متعال عمل می‌کنند.

در جایی دیگر می‌گوییم: «وَبِأَمْرِهٖ تَعْمَلُونَ وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ»، امامان علیهم‌السلام براساس دستورات باری تعالی عمل می‌کنند و به راهی که خداوند معین فرموده هدایت‌گرند. در عبارتی دیگر بیان شده است که ائمه علیهم‌السلام فرمان‌بردار خداوند هستند، و فرمان خداوند را پاسداری می‌کنند و به اراده باری تعالی عمل می‌کنند: «الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهٖ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ».

۱. زمزم/۳۸، زخرف/۹، لقمان/۲۵، عنکبوت/۶۱.

تأکید چند باره بر اینکه امامان علیهم السلام انجام دهنده اوامر خداوند هستند، نشان دهنده اهمیت جایگاه توحید ربوبی در این زیارت و بیانگر عدم استقلال امامان در کارها و بیانات شرعی است. به عبارت دیگر، از هیچ یک از عبارات های زیارت جامعه تفویض استقلالی اداره و تدبیر امور به امامان برداشت نمی شود. در این جملات، آنچه دارای اهمیت اصلی است خواست و اراده خداوند است و بزرگ ترین افتخار امامان نیز در این نهفته است که به اراده و تدبیر خداوند گردن نهاده اند.

### توحید در اطاعت

توحید در اطاعت مرتبه و گونه ای دیگر از توحید افعالی است. این مرتبه گرچه در ضمن توحید در خالقیت و ربوبیت نهفته است؛ اما در قرآن کریم نیز جداگانه به آن توجه شده است. آیات متعددی از قرآن کریم بر اطاعت از خداوند تأکید کرده اند<sup>۱</sup> و از تبعیت و اطاعت غیر خداوند بر حذر داشته اند.<sup>۲</sup> به این نوع توحید نیز در زیارت جامعه توجه ویژه شده است. در یک جا آشکارا به اطاعت گری امامان از خداوند متعال اشاره شده است: «الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ». ایشان مطیع خداوند بوده اند.

اطاعت در لغت به ضد کراهت معنا شده است.<sup>۳</sup> از این رو ویژگی هایی برای آن بر شمرده اند؛ مانند اینکه اطاعت با خضوع و فروتنی همراه است، با رغبت انجام می گیرد و مطابق امر و خواسته است.<sup>۴</sup> به همین دلیل در زیارت گفته شده است که امامان

۱. از جمله بنگرید به: مائده/۹۲، آل عمران/۳۲، نساء/۵۹، تغابن/۱۶، شعراء/۱۷۹.

۲. از جمله بنگرید به: اعراف/۳، احزاب/۳۶، حجرات/۱.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۰۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴۱.

۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۳۷.

خداوند را اطاعت می‌کرده‌اند؛ یعنی همواره با رغبت و فروتنی اوامر الهی را انجام می‌دهند.

در بخشی دیگر آمده است: «وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ». امامان پیمان اطاعت و فرمان برداری از خداوند را استوار کرده‌اند. به گفته برخی از صاحب نظران، اطاعت زمانی می‌تواند فضیلت به شمار رود که فرد فرمان بردار شرایط اطاعت را بداند و به عبارت دیگر از چگونگی اطاعت نمودن آگاه باشد. و در عین حال به نیکویی اطاعت و آنچه از آن می‌بایست اطاعت شود نیز اعتقاد داشته باشد.<sup>۱</sup>

در بخشی‌های متعددی از زیارت جامعه بر عمل امامان به دستورات و احکام شریعت تأکید شده است که نمونه‌های آشکاری از اطاعت پذیری ایشان به شمار می‌رود. برای مثال در چندین مورد آمده است که به امر خداوند عمل می‌کنند: «وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ». امر باری تعالی گاه تکوینی است و گاه تشریحی. آنچه در توحید در ربوبیت گفته شد بیشتر به اوامر تکوینی مربوط بود، ولی امامان همان گونه که در برابر امور تکوینی باری تعالی مطیع و پذیرنده هستند، در اوامر تشریحی نیز فرمان بردارند.

در بخشی دیگر می‌خوانیم: «وَيَبْنِيكُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقِمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ»؛ یعنی شما امامان واجبات الهی را بیان کردید، حدود الهی را به پا داشته‌اید و دستورات شریعت‌های الهی را نشر داده‌اید. انجام این امور متوقف بر پذیرش آنهاست که هم خود اطاعت است و هم نتیجه اطاعت به شمار می‌رود.

در عبارتی دیگر به ایمان امامان به خداوند و تسلیم بودن ایشان در برابر حق تعالی پرداخته شده است: «وَبِهِ تَوَمَّنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ». بی‌شک ایمان به خداوند و پذیرش متعلقات آن و تسلیم در برابر فرمان الهی از آشکارترین نمودهای اطاعت و فرمان‌پذیری است.

---

۱. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، ج ۳، ص ۳۲۵.

در جایی دیگر بیان شده است که هر که از شما فرمان پذیرد از خداوند اطاعت کرده است: «مَنْ اطَاعَكُمْ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ».

در عبارتی دیگر، اطاعت امامان مقرون به اطاعت خداوند دانسته شده است: «وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ». این عبارت‌ها بر خلاف توحید در اطاعت نیستند و مسئله با توجه به دیگر عبارت‌های زیارت قابل درک و توضیح است. برای مثال در بخش‌هایی آمده است که امامان به سوی خداوند دعوت کرده‌اند و به سوی باری تعالی رهنمون شده‌اند و راهش را نشان می‌دهند: «الِي اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ ... وَ الِي سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ». در این صورت هر کس از آنها اطاعت کند گویی از خداوند اطاعت کرده است؛ زیرا ایشان هیچ کس را به سوی خود فرا نخوانده‌اند و از خود چیزی نگفته‌اند. در قرآن کریم نیز چنین مطلبی را درباره اطاعت از خداوند شاهدیم. در آیات متعددی اطاعت از رسول خدا ﷺ پس از امر به اطاعت از خداوند مطرح شده است.<sup>۱</sup> نیز در آیه‌ای تصریح شده است که هر کس از رسول خدا اطاعت کند گویی خداوند را اطاعت نموده است.<sup>۲</sup> بی تردید هیچ یک از این بیان‌ها بر خلاف توحید در اطاعت نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه این اطاعت‌ها همه با اذن و خواست پروردگار است،<sup>۳</sup> در واقع نیز اطاعت از خداوند است.

### توحید در عبادت

عبادت که معادل پارسی آن پرستش است، دو ویژگی اصلی دارد: نخست اینکه با خشوع و خضوع دارد و دیگر اینکه این فروتنی با اعتقاد به ربوبیت معبود همراه

۱. از جمله بنگرید به: آل عمران/۳۲ و ۱۳۲، نساء/۵۹، مائده/۹۲، انفال/۴۶ و ...

۲. «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ» نساء/۸۰.

۳. نساء/۶۴.

است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، برای اینکه عملی عنوان پرستش یابد، لازم است تا هم با فروتنی همراه باشد و هم کسی را که در برابرش فروتنی می‌شود اله و پروردگار بدانیم. از این رو پرستش به ذات متعالی خداوند اختصاص دارد. توحید در عبادت اصلی مهم است که همه مسلمانان و پیروان ادیان الهی آن را پذیرفته‌اند. در قرآن کریم نیز برای این اصل تأکید ویژه شده است. مسلمانان هر روز در نمازهایشان ده مرتبه انحصار عبادت در خداوند را تکرار می‌کنند.<sup>۲</sup> اهمیت این اصل به اندازه‌ای است که از آن با عنوان هدف خلقت نیز یاد شده است.<sup>۳</sup> پرستش خداوند در زیارت جامعه نیز جایگاهی ویژه دارد. در بخش‌های متعددی از این زیارت به گونه‌های مختلف نسبت به خداوند اظهار فروتنی و خضوع شده است. در یکی از گویاترین این عبارت‌ها چنین می‌خوانیم: «وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ».<sup>۴</sup> در این بیان، نخست به عبد بودن امامان تصریح شده است. عبد به معنای بنده است و از امامان با این عنوان در کنار دیگر عنوان‌های افتخارآمیز یاد شده است.<sup>۴</sup> از معنای عبد می‌توان آشکارا فروتنی را دریافت. ایشان در برابر خداوند متعال فروتن و خاضع بوده‌اند. فرمان برداری از بارزترین نشانه‌های این فروتنی است که در توحید در اطاعت به موارد آن اشاره شد. پس از اشاره به عبد بودن امامان، صفت مکرّم آمده است. مکرّم اسم مفعول و به معنای کرامت داده شده می‌باشد؛ یعنی خداوند متعال امامان عليهم السلام را کرامت بخشیده است و آنان از خود چیزی ندارند. از بسیاری از عبارت‌های زیارت می‌توان دریافت که امامان آنچه را از ویژگی‌های برتری بخش برخوردارند، لطف باری تعالی می‌دانند. آن گونه که در توحید در خالقیت و

۱. سبحانی، جعفر، *محاضرات فی الالهیات*، ص ۹۰.

۲. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، فاتحه/۴.

۳. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، ذاریات/۵۶.

۴. در قرآن کریم نیز لقب عبد برای پیامبران به کار رفته است، مانند: اسراء/۳، مریم/۳۰.

ربوبیت گفته شد، ایشان جز خداوند کسی را در هستی صاحب اختیار و به عبارت دیگر اله نمی دانند. بنابراین به تمام معنا خداوند را پرستش می کنند.

با توجه به این مطالب می توان گفت که توحید افعالی نمود آشکاری در زیارت جامعه دارد، به گونه ای که در همه عبارت ها، خداوند اصل و محور همه امور معرفی شده است. تمام والایی جایگاه معصومین علیهم السلام از جانب خداوند و منتسب به حضرت اوست: «السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكََةِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ»؛ درود بر آنان که محل معرفت خداوندند و جایگاه برکت الهی اند و معدن های حکمت و دانایی و حافظان سر خداوندند و دارندگان کتاب الهی اند.

در جملات زیادی تأکید شده است که خداوند ایشان را به این ویژگی ها امتیاز بخشیده است: «اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ»؛ خداوند شما را با علمش برگزید و بر اساس غیبش از شما راضی شد و شما را برای رازش انتخاب نمود، «عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنْسِ وَ أذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ خداوند شما را از لغزش ها بازداشت و از فتنه ها ایمن گرداند و از آلودگی ها پاکتان نمود و ناپاکی را از شما زدود و پاک و پاکیزه تان نمود.

اگر از ایشان شفاعت می طلبیم در واقع به اذن و اجازه باری تعالی است و این شفاعت نیز به درگاه او و برای نزدیک شدن به اوست: «مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ...». ما همچنین از خداوند می خواهیم که شفاعت ایشان را روزی مان کند و ما را بر موالات و دوستی ایشان ثابت قدم دارد و بر فرمان برداری شان موفق نماید.

## ب- بررسی اشکالات وارده

با اینکه روح حاکم بر تمام زیارت جامعه کبیره توحید و خداپرستی است، از ظاهر برخی از عبارت های این زیارت چنین برمی آید که گویی با توحید افعالی سازگاری ندارد و بر همین اساس نیز ممکن است با پرسش و اشکال روبه رو شده، یا حتی به ناسازگاری با قرآن کریم متهم شود. برای مثال می توان به این عبارت اشاره نمود: «وَ يَا أَبُ الْخَلْقِ

إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ...».

مهم‌ترین اشکالی که براساس این عبارت‌ها مطرح شده، نسبت دادن کارها به غیر خداوند است. به دیگر سخن، براساس توحید افعالی، خداوند فاعل تمام امور است. از این رو می‌باید انجام همه کارها به خداوند نسبت داده شود، در حالی که در این دو جمله چنین نشده است. این اشکال را می‌توان به دو شیوه نقلی و عقلی پاسخ گفت.

### پاسخ نقلی

پاسخ نقلی در واقع پاسخی نقضی است. توضیح اینکه در قرآن کریم نیز این مطلب را می‌توان دید؛ یعنی در بعضی آیات انجام برخی کارها به خداوند نسبت داده شده است؛ ولی در آیاتی دیگر همان کار به غیر خداوند نسبت داده شده است. برای مثال، قبض روح انسان‌ها گاه به فرشته گماشته شده بر آن نسبت داده شده است: ﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ (سجده/۱۱) و گاه به خداوند متعال نسبت داده شده است: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ (زمر/۴۲).

آیا می‌توان گفت که نسبت دادن قبض روح به ملائکه با توحید افعالی خداوند ناسازگار است و در نتیجه قرآن کریم که کتاب توحید است، برخلاف توحید سخن گفته است؟

قرآن کریم در آیات متعددی توسل و شفاعت را که از بارزترین نمونه‌های واسطه‌گری هستند، جایز شمرده است. <sup>۱</sup> بی‌شک در صورت ناسازگاری این امور با اصل توحید،

---

۱. برای مثال آیه ۳۵ سوره مائده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾، در این آیه آشکارا به برگزیدن وسیله امر شده است. وسیله در این آیه معنایی وسیع دارد و هرآنچه باعث نزدیکی به پروردگار شود دربر می‌گیرد. همچنین موارد متعددی از توسل نیز در قرآن کریم مطرح شده است؛ مانند توسل به حضرت یعقوب: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَعِزْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ (یوسف/۹۷)، توسل به حضرت موسی (بقره/۶۱) و توسل به پیامبر اکرم (نساء/۶۴).

هیچ‌گاه قرآن‌کریم که روح حاکم بر آن توحید و خداپرستی است، چنین مسئله‌ای را روا نمی‌دانست و در برابر آن موضع‌گیری می‌نمود.

همچنین در این زمینه می‌توان به روایاتی اشاره کرد که به تفسیر آیات ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه پرداخته‌اند. در این روایات با بیان‌های تأویلی آیات تفسیر شده‌اند. برای مثال به یکی از این روایات اشاره می‌کنیم:

سماعه از ابوالحسن اول امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند: با جناب ابوالحسن اول نشستیم و مردم و مردم هم در تاریکی شب مشغول طواف بودند. امام علیه السلام فرمود: ای سماعه بازگشت این خلق به سوی ماست و حسابشان با ماست<sup>۱</sup>.

بسیاری از مفسران نیز در تفسیر آیات یاد شده به این روایات اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup> با توجه به این مطالب می‌توان دریافت که آنچه در زیارت جامعه آمده است نه مخالف قرآن‌کریم است و نه با روایات رسیده از معصومین علیهم السلام ناسازگار است.

در توضیح این بخش از زیارت، مطالب دیگری نیز گفته شده است. برای مثال برخی متأثر از روایات بیان کرده‌اند که ایاب به معنای رجوع و بازگشت است و مراد بازگشت در دنیا به سوی امامان است. آیه شریفه نیز به معنای بازگشت به سوی اولیای آنان است. شاهد درستی این مطلب نیز ضمیر جمعی است که در «الینا» به کار رفته است. در این

---

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۸، ص ۱۶۲. نیز شیخ صدوق روایتی را نزدیک به همین مضمون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است؛ بنگرید به: ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، ج ۲، ص ۵۷ و ۲۱۳.

۲. سید هاشم بحرانی در *تفسیر البرهان*، ده روایت را ذیل این آیات آورده است؛ بنگرید به: بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، ص ۶۴۵. علامه طباطبایی نیز در این باره روایتی را نقل کرده و آن را توضیح داده است؛ بنگرید به: طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۲۷۷.



صورت معنای آیه چنین خواهد بود که محاسبه اعمال مردم در دنیا با رهبرانشان است.<sup>۱</sup>

### ب- پاسخ عقلی

در پاسخ عقلی می‌باید به این پرسش پاسخ گفت که آیا نسبت دادن انجام امور به غیر خداوند با توحید افعالی ناسازگار است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا فرض واسطه در انجام امور شرک به شمار می‌آید یا خیر؟

در پاسخ باید گفت که بر اساس نگاه توحیدی، هر کاری که انجام می‌گیرد و هر فاعلی که کاری را انجام می‌دهد، همه به اذن و اراده خداوند است. بنابراین می‌توان به صورت حقیقی گفت که این کار را خداوند انجام داده است. به عبارت دیگر، واسطه‌گری تنها درباره موجودات ممکن معنا پیدا می‌کند و به حق نشان دهنده نقص و نیازمندی است، چرا که بدون وسیله و واسطه قادر نیستند تا خواسته خود را عملی کنند، اما نسبت به خداوند که خالق و هستی بخش همه موجودات از جمله واسطه‌هاست معنایی ندارد؛ زیرا هرآنچه هست خواست اوست و هر چه رخ می‌دهد به اراده اوست. او نیازمند چیزی نیست، بلکه هر آنچه وجود دارد، هستی‌اش را از او دارد و به او محتاج است.

نکته مهم آن است که او هر کار ممکن را اراده کند انجام می‌پذیرد. البته در جهان مادی رخداد امور در چارچوب قانون علت و معلول قرار می‌گیرد و هر کاری تا علت آن وجود نداشته باشد انجام نخواهد شد؛ اما این مسئله درباره کسی که خود خالق همه علت‌هاست متفاوت است. او فقط کافی است اراده کند تا آن کار با همه سلسله علت و معلولش انجام گیرد. بنابراین اگر در زیارت جامعه کبیره که سراسرش بیان توحید باری تعالی است، در موردی کاری به غیر خداوند نسبت داده شود، با توحید ناسازگار نخواهد بود.

این مسئله را به گونه دیگری نیز می‌توان توضیح داد. هر حقیقت امکانی دارای دو

---

۱. شبر، سید عبدالله، *الأنوار اللمعه*، ص ۱۶۰-۱۶۱.

جهت وجودی و ماهوی است. از جهت وجودی به علت هستی بخش و واجب الوجود باز می‌گردد. به همین دلیل وجود هر موجودی حقیقتاً به خداوند نسبت داده می‌شود، اما از نظر ماهوی که مشخص‌کننده گونه وجود است می‌تواند به غیر خداوند هم نسبت داده شود؛<sup>۱</sup> مانند آیات شریفه‌ای که برخی کارها را به خداوند و در عین حال به فاعل مباشر آن نسبت داده‌اند؛ برای مثال می‌توان از این آیات یاد کرد: ﴿أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ (واقعه/۶۴)، و ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (انفال/۱۷).

### نتیجه

زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام نقل شده است، از نظر سند و محتوا دارای اعتبار است و از متون فاخر در معارف الهی به شمار می‌رود. این زیارت در هماهنگی کامل با آیات قرآن کریم است و همه بخش‌های آن بر مبنای قرآنی استوارند. این هماهنگی را می‌توان نشانه‌ای بر درستی متن این زیارت دانست و گواهی آشکار بر دانش سرشار قرآنی و توحیدی امامان اهل البيت علیهم السلام و حقانیت آنان به شمار آورد.

### منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی‌تا.
۲. ———، *التوحید*، تصحیح هاشم حسینی طهرانی، مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۳. ———، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح حسین اعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴.
۵. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶.

۱. نظامی پور همدانی، علی، *المعارف الرافعة فی شرح زیارة الجامعة*، ص ۴۳۵-۴۳۹.

۶. بروجردی، محمد حسین، *جامع احادیث الشیعه*، قم، ۱۳۹۸ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقرران*، چاپ چهارم، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۸. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، مطبعة الآداب، قم، ۱۴۰۳.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار العلم، بیروت، ۱۴۱۲.
۱۰. سبحانی، جعفر، *تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن*، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۷.
۱۱. ———، *محاضرات فی الالهیات*، الطبعة السابعة، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۹.
۱۲. سند، محمد، «بررسی سندی زیارت جامعه کبیره»، مجله سفینه، شماره ۱۵.
۱۳. شبر، سید عبدالله، *الأنوار اللمعة فی شرح زیارة الجامعة*، تصحیح جعفر محمودی، مؤسسه بعثت، تهران، ۱۴۰۷.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تصحیح حسن موسوی خراسانی، الطبعة الرابعة، مؤسسة النشر الإسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
۱۶. الفراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰.
۱۷. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، هاتف، مشهد، ۱۳۷۴.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۹. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی احوال الرجال*، مکتبة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۲.
۲۰. مجلسی، محمد تقی، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تصحیح حسین موسوی کرمانی، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۲.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الوفا، بیروت، بی تا.
۲۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، صدرا، تهران، ۱۳۷۶.
۲۴. نصیری، علی، «بررسی روایات عرضه»، حدیث حوزه، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۲۵. نظامی پور همدانی، علی، *المعارف الرافعة فی شرح زیارة الجامعة*، بنیاد پژوهش های اسلامی، الطبعة الأولى، مشهد، ۱۳۸۱.
۲۶. نکونام، جعفر، «اقتراح تحلیل روایات عرضه حدیث برقرآن»، صحیفه مبین، شماره ۲۷-۲۸، ۱۳۸۱.